

bookroom.ir

bookroom.ir

ریشه‌ها از غروب



به قلم منصوره قنادیان

کتابخانه مهر نغمه‌ها

bookroom.ir

مقدمه نویسنده

آخر شب‌ها وقتی پسرکش رامی خواب‌اند، برق‌ها را خاموش می‌کند، آن وقت گوشی قدیمی‌اش را روشن می‌کند و چشمانش را به صفحه موبایل می‌دوزد و منتظر صدای پیامی می‌ماند. شاید که مهدی پیامی داده و او ندیده! هنوز منتظر است تا از عملیات برگردد و جواب همه دل‌تنگی‌هایش را بدهد....

دست‌به‌کار می‌شود و برایش پیامی می‌نویسد تا بیاید و بخواند: همسرم! ای کاش بودی و در آشپزخانه کوچکمان اگر غذا کمی می‌سوخت، شیر سر می‌رفت، بشقابی چینی می‌افتاد و لیوان کریستالی می‌شکست، تو مثل مردهای قدیم

داد می‌زدی که حواست کجاست خانوم؟! او من بالبخند

می‌گفتم: «به تو آقا!»

زندگی کوتاه مهدی نوروزی با همسر جوانش، با وجود دنیایی از عشق و محبت، سراسر غیرت و شجاعت بود. شجاعتی تکلیف‌محور که جنگ در سامرا و دفاع از حریم آل‌الله علیهم‌السلام را برگزید تا شاید ستاره راهی شود برای قیام جهانی موعود علیه‌السلام.